

البيعة لله

البيعة لله

# كلمتها

البيعة لله

البيعة لله

البيعة لله

البيعة لله



## دل نوشته

نویسنده:

امید فریمانی

تاریخ:

۱۳۹۹/۸/۱۲

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



### دل‌نویسه

امشب دلم گرفته است از مظلومیت امامی که در گذار تاریخی سراسر مشحون از جهل بشر، حقش غصب گردیده و بی‌یاور مانده است. نمی‌توانم این حجم از غربت و مظلومیت را با فکر و احساسم درک کنم؛ غربتی هزارساله که پی‌آمد جهل، تقلید، تعصب، تکبر، خرافه‌پرستی، دنیاگرایی و اهواء نفسانی ما بوده، اما همواره او تاوان آن را داده و رنج آن را به دوش کشیده است، تا شاید روزی برسد که عده‌ای پیدا شوند و او را طلب کنند و پس از قرن‌ها بی‌خبری به یاریش بشتابند و بدین گونه، به هزار سال غربت و مظلومیت او پایان دهند.

اما با همه‌ی این دلتنگی‌ها، دلم قرار می‌یابد؛ چراکه بارقه‌هایی از نور امید از شرق خراسان طنین‌انداز شده و ممان‌مان را به حیات مبدل نموده است. مردی از تبار خوبان و آموزگاری راستین و مهربان که ما را به بهترین کار فرا می‌خواند؛ چنانکه در گفتاری از او آمده است:

«شما را به سوی بهترین کار فرا می‌خوانم؛ اینکه پروردگارتان را بپرستید و از پرستش طاغوت بپرهیزید، تا پروردگارتان شما را ببخشاید و نعمت دهد و از ذلت و مسکنت برهاند و به سرزمینی پاکیزه برساند که به پدران‌تان وعده داد.»<sup>۱</sup>

و در نامه‌ای از او آمده است:

«آن گاه از کاری که کرده‌اید آگاه خواهید شد و سزای آن را بتمامی خواهید دید؛ اگر به گماشته‌ی خداوند گرویده‌اید و او را با دست و زبان یاری رسانده‌اید، امان خواهید یافت؛ چراکه بهترین کار را انجام داده‌اید و اگر به گماشته‌ی دیگران گرویده‌اید و او را با دست و زبان یاری رسانده‌اید، وای به حالتان خواهد بود؛ چراکه بدترین کار را انجام داده‌اید.»<sup>۲</sup>

آری، او ما را خیرخواهانه نصیحت می‌کند تا حق را از باطل بشناسیم و راه را از بیراهه تشخیص دهیم تا هلاک نشویم؛ چنانکه فرموده است:

«من برای شما برادری خیرخواه هستم. من شما را به تشخیص حق از باطل فرا می‌خوانم تا هلاک نشوید و به شناخت راستگو از دروغگو دعوت می‌کنم تا در زیان نمانید؛ چراکه شما از روز نخست تا امروز، همواره در زیان بوده‌اید... و رهایی شما از زیان در گرو دو چیز است، هم‌چنان که پرواز پرنندگان به آسمان در گرو دو بال است و آن دو چیز، همانا ایمان و عمل صالح است.»<sup>۳</sup>

و فرموده است:

«برای شناخت حق از باطل به پا خیزید و برای دانستن درست از غلط اهتمام ورزید! و چرا چنین و چنان نکنید؟! در حالی که شناخت حق و باطل، قوام انسانیت شما و دانستن درست و غلط، مایه‌ی شخصیت شماست... دانایی انسان، پایه‌ی شرف او و آگاهی او، مایه‌ی عزت اوست. مقصودم از آگاهی، ریاضی و هندسه و مانند آن نیست و منظورم از دانایی، فقه و اصول و منطق و فلسفه نیست! این‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی معظم له، گفتار ۱۴۲

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی معظم له، نامه ۲۰

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی معظم له، نامه ۴

همه فضلی است که امروز فتنه شده است و قوام انسانیت شما به این‌ها نیست! مقصودم از دانایی، شناخت حق از باطل و منظورم از آگاهی، تشخیص هدایت از گمراهی است.»<sup>۱</sup>

او فرزند خلف اسلام است که آمده تا به حسرتی که مانند خون به همه‌ی اجزایمان رسیده و پشیمانی‌ای که مانند پوست سر تا پیمان را فرا گرفته است، پایان دهد.<sup>۲</sup> او آمده تا به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام مظلوممان پاسخ گوید. او دست یاری خویش را دراز کرده و با برافراشتن پرچم‌های هدایتش بر سرزمین خورشید، ندای حق سر داده و بانگ بیداری بلند کرده است، تا خفتگان را بیدار کند و به راستی که غریو فریادش، مردگان پوسیده را از گورهای جهلشان بیرون می‌کشد و امید می‌رود که گمشدگان صحرای تاریکی را به سوی نور رهنمون سازد.

اما تشویش و دل‌نگرانی مرا رها نمی‌کند. غمی راه گلویم را بسته و بغض گلویم را فشرده است؛ چراکه با وجود پیوستن به آموزگار راستگو و مهربانم، چنان سستی و ضعف در وجودم احساس می‌کنم که گام‌هایم لرزان شده است و حرکتم افتان و خیزان. دستی بر آتش دارم و دستی در آب. از یک سو ادعای یاری او را دارم و گذشتن از دنیا و ما فیها و از سوی دیگر ترس از جدا شدن از دنیا که سبب دوگانگی در گفتار و کردارم گردیده است. برادر خیرخواهم چه زیبا فریاد برمی‌آورد:

«ای مردنمایان نامرد! و ای فرومایگان نازپرورد! ای که اسم شما اسم مردان است و رسم شما رسم نامردان! ای که روی شما روی مسلمانان است و خوی شما خوی نامسلمانان! می‌دانید و کاری نمی‌کنید و می‌توانید و یاری نمی‌کنید. در گفتار رنگینید و در کردار سنگینید. در کار دنیا چُستید و در کار عقبا سستید. اگر تیرید، تیر شکسته‌اید و اگر زنجیرید، زنجیر گسسته‌اید. نه حق را یارید و نه باطل را خارید. آسمان پر ابرید و نمی‌بارید و صاحبان بذرید و نمی‌کارید. که هستید جز رذلان پست و رندان مست؟! بدبخت کسی که دل به شما بست و خوشبخت کسی که از دست شما رست!»<sup>۳</sup>

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی معظم له، نامه ۳

۲. اشاره به فرازی از گفتار ۲۶ آن جناب: «حسرت مانند خون، به همه‌ی اجزایش خواهد رسید و پشیمانی مانند پوست، سر تا پایش را فرا خواهد گرفت.»

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی معظم له، نامه ۲۴

می ترسم از کسانی باشم که این عتاب شامل حال آنان است. آری، دلم تنگ و قلبم سنگین است از اینکه با وجود عیان بودن هدایتش بر من، حمایتش بر من گران آمده است. همچون مدهوشان سرگردان و حیران مانده‌ام. با اینکه می بینم کتاب خدا مهجور است و خلیفه‌ی او مقهور است و دنیا پر از ظلم و جور است، اما همچنان کاهلم و از یاری حق گریزان!<sup>۱</sup>

ای برادر خیرخواهم! مرا دریاب و ندایم را در طلب دعا بشنو و برای من و تمام کسانی که دستت را به نشانه‌ی بیعت فشرده‌اند، دعا بفرما تا به فرموده‌ات رخت جهاد بیوشیم و برای معاد بکوشیم و زهر عناد ننوشیم، تا کاری کنیم و دین خدا را یاری کنیم و خلیفه اش را پاسداری کنیم<sup>۲</sup>، ان شاء الله.

### دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «دل‌نوشته‌ای برای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی»
۲. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی تمسک به بنای عقلا در نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و قائلان به جواز اجتهاد و تقلید در شیعه»
۳. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در خصوص مصادیق اهل ذکر و مقایسه‌ی آن با نظرات مفسرین فریقین»
۴. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی ویژگی‌های دنیا در کلام امام علی علیه السلام و کلام علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی»
۵. مقاله‌ی «بررسی استدلال به آیه‌ی ذکر به عنوان یکی از ادله‌ی قرآنی جواز اجتهاد و تقلید در شیعه»



۱. بنگرید به: همان نامه.

۲. بنگرید به: همان نامه.